

نگاهی به اقتباس یک فیلم کوتاه از کتابی درباره شهید سلیمانی

سیزده سالگی زیر باران

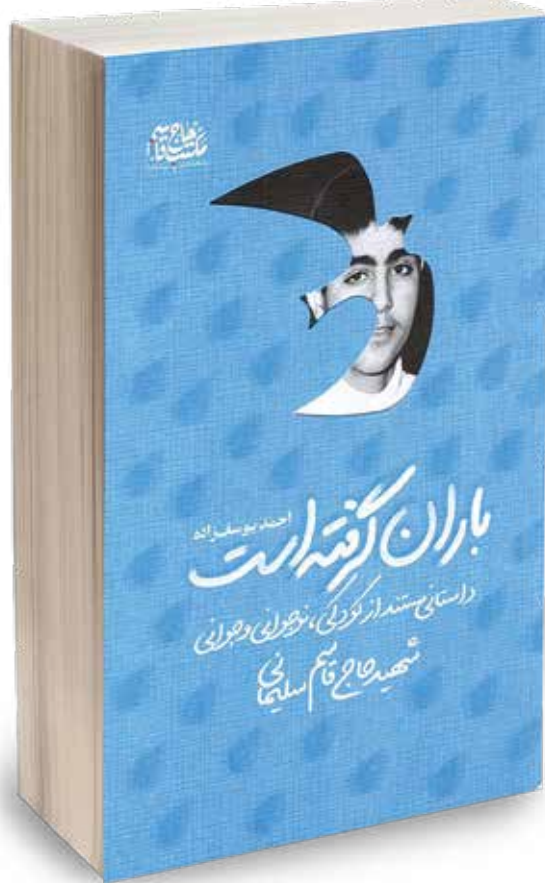
پیوند کتاب
و تلویزیون

۱۳دی روز آسمانی شدن سرداری است که خود را سرباز می‌دانست و خواست بر سنگ مزارش هم همین عنوان حک شود: «سرباز قاسم سلیمانی فرزند حسن». سمت فرماندهی داشت و نه تنها دل یک ملت به شجاعت و تدبیرش گرم بود بلکه یک منطقه به حسن حضورش، مقاومت را در اوج معنا می‌کرد. با تمام اینها زندگی ساده را بر زرق و برق دنیا ترجیح می‌دانست. گواه این ادعا را می‌توان در کلام هم‌زمانش یافت. روایت یاران و خانواده شهید سلیمانی در فیلم کوتاه سیزده سالگی به نمایش درآمده است تا سندی تصویری بخشی از زندگی این بزرگمرد باشد. این فیلم کوتاه که در روزهای منتهی به سالگرد شهادت وی از شبکه‌هایی چون امید و یک روی آنتن رفت برگرفته از یک کتاب است. در نوشتار پیش‌رو از پیوند ادبیات و رسانه در روایت بخشی از زندگی یک شخصیت واقعی گفتیم.

آرمیتا علی‌رضایی
از اهالی قلم

برگ
اول

درباره کتاب



این فیلم خوش ساخت و واقع‌گرا از کتابی با عنوان «باران گرفته است» نوشته احمد یوسف‌زاده اقتباس شده است. این کتاب در ۲۳۲ صفحه همین امسال به همت نشر مکتب حاج قاسم منتشر شد. در پشت این اثر، ساعت‌ها مصاحبه و گفت‌وگو با خواهر، برادران و اهالی روستای کودکی شهید حاج قاسم سلیمانی وجود دارد که در نهایت به متنی وزین و البته با نثری شیرین و ساده مبدل گشته است.

ماجراهای کتاب باران گرفته است پیش از زادروز وی آغاز می‌شود. شرح زندگی عشایر روستای قنات ملک، بیان رسوم مردم در آن بخش از استان کرمان، قصه کودکی‌های حاج قاسم و تعامل او با بزرگ‌ترها به‌ویژه پدر و مادر مومن و تلاشگرش، عبور از ایام نوجوانی و... مواردی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. بخشی از روایت‌های کتاب نیز برای نخستین بار است که به صورت عمومی نقل می‌شود.

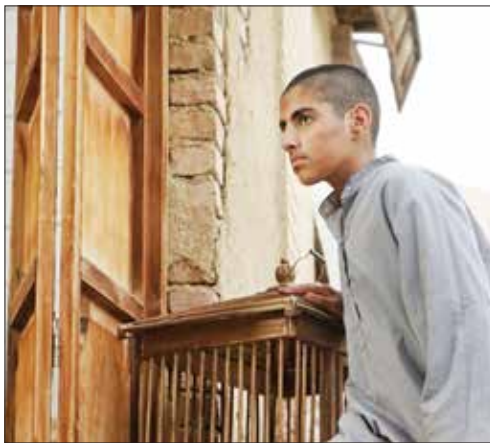
برگ
دوم

برشی از کتاب

در بخشی از کتاب «باران گرفته است» می‌خوانیم: حسن گفت: «آیتا... خمینی رو می‌شناسی؟» قاسم گفت: «نه!» شروع کردند به معرفی او. هرچه آنها درباره آیتا... خمینی بیشتر می‌گفتند، قاسم برای شنیدن مشتاق‌تر می‌شد. می‌خواست بداند این مردی که از او به نیکی یاد می‌کنند، کیست. سید جواد از جیبش عکس مردی روحانی و میانسال با عینکی بر چشم را درآورد و گرفت جلوی چشمان قاسم. زیر عکس نوشته شده بود: «آیتا... العظمی سید روح... خمینی». قاسم حیرت‌زده به عکس سید روح... خمینی نگاه می‌کرد. سید جواد گفت: «می‌خواهی این عکس رو به تو بدم؟» قاسم عکس را گرفت و مدت‌ها به آن خیره شد.

برگ
سوم

درباره فیلم



ما یک سری قرارداد داشتیم و از قبل می‌دانستیم که کار قرار است به لحاظ رئالیستی و واقع‌نمایی کاملاً واقعی باشد؛ به این دلیل لهجه و مدل گریم و لباس برایمان مهم بود و قراردادهایی که در پیش تولید مطرح می‌کردیم. این‌طور شد که دو بازه سه روزه سفر به کرمان داشتیم و در این زمان همه مدارس متوسطه اول کرمان را گشتیم و در نهایت منجر به چیزی شد که شما شاهد آن هستید.

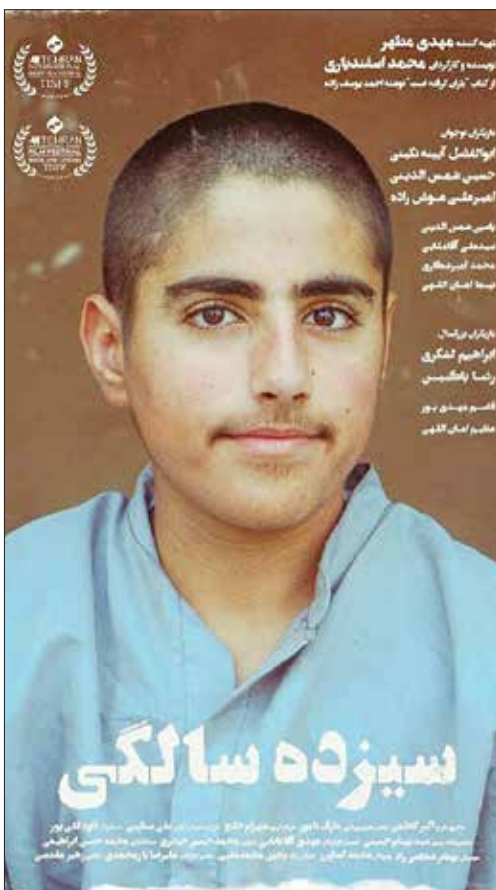
فیلم کوتاه «سیزده سالگی» کاری از بنیاد مکتب حاج قاسم روایتی از اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ ایران را به همراه برش کوتاهی از زندگی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی به تصویر می‌کشد. محمد اسفندیاری کارگردانی و نویسندگی اثر را بر عهده دارد و تهیه‌کنندگی آن نیز با مهدی مطهر است. اولین اکران این اثر مهر ماه امسال در چهل و یکمین جشنواره فیلم کوتاه تهران بود و در نهایت برگ زرین بهترین فیلم از نگاه ملی را از آن خود کرد.

این فیلم به تازگی از چند شبکه سیما نیز پخش شد. در واقع هفته گذشته شبکه‌های تلویزیونی امید و یک سیما به مناسبت پنجمین سالروز شهادت سردار دل‌ها پذیرای پخش این فیلم بودند. اسفندیاری، کارگردان فیلم درباره شیوه روایت اثر گفته است: مادر واقع با یک اثر اقتباسی بیوگرافی مواجه هستیم. بیوگرافی ناخودآگاه ما را محدود می‌کرد که ما خیلی اجازه دخل و تصرف مخصوصاً در درام‌پردازی نداریم و این‌که ما خود را از همان ابتدا مماس بر کتاب که یک روایت عین به عین است متعهد دانستیم. در نهایت به این امر منجر شد که اگر متن ما برای دهه ۵۰ است چقدر خوب است که همه قسمت‌های فیلم متأثر از آن سینمای دهه ۵۰ باشد. یکی از چالش‌های اساسی ما از ابتدا انتخاب بازیگر شخصیت اصلی فیلم بود. به هر حال

برگ
چهارم

درباره نویسنده

انسان‌های پاک، دانا و با بصیرت دینی بالاست. خود حاج قاسم هم افتخار می‌کند که پدرش حتی در حد یک دانه گندم حرام به خانه نیاورد. وقتی با اهالی روستا حرف می‌زد، حرف‌شان این بود که با داشتن پدر و مادری مثل مشیت حسن و مشیت فاطمه طبیعی است که پسرشان حاج قاسم شود. کودکی حاج قاسم می‌تواند برای نسل جدید هم الگو باشد.



یوسف‌زاده، نویسنده کتاب، اثر مشهور دیگری با عنوان آن ۲۳ نفر را در کارنامه دارد. همچنین پیش از این کتاب «شاید پیش از اذان صبح» را درباره شهید سلیمانی نوشته و منتشر کرده بود. او که خود از آزادگان دفاع مقدس است، این کتاب را حاصل دو سال زندگی با روایت‌های ایام کودکی سردار سلیمانی می‌داند. وی بیان کرده است: زندگی حاج قاسم از همان کودکی یک زیست ساده، صمیمی و بی‌آلایش است. قرار بود اسم کتاب رو خوش مهر بگذاریم و دلیل آن این بود که حاج قاسم از کودکی مهرش به دل همه می‌نشست.

ما در مورد حاج قاسم با یک کودک روستایی کم برخوردار مواجه هستیم که در آنجا رشد و زندگی می‌کند و مستقل به شهر می‌آید و هر لحظه ممکن بوده در آنجا دچار آسیب‌هایی شود کما این‌که حتی یک‌بار با گروهی آشنا می‌شود که وابسته به سازمان مجاهدین خلق بوده اما حاج قاسم از همه این موانع و دام‌های دوران طاعوت عبور می‌کند.

به هر حال یکی از مهم‌ترین برهه‌های زندگی حاج قاسم دوران کودکی وی و تربیت یافتن در یک خانواده ساده با پدر و مادری روستایی و

